

رای از منظری توده‌وار موضوع ارزیابی قرار نگیرد.

م.ث.

برابری حقوق سیاسی زنان را جدی بگیریم.

از ویژگی‌های هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری یکی هم این بود که جنبه ناشناخته اما بنیادینی را در ارتباط با مسائل زنان در جامعه آشکار کرد و به این معنا باید از زنانی که با کاندیدا شدن خویش برای احراز مقام ریاست جمهوری باعث آشکار شدن آن گشتند، تشکر کرد. پرسش روشن و ساده است: آیا زنان کشور ما می‌توانند برای ریاست جمهوری کاندیدا بشوند و در صورت کسب آرا لازم، این مقام را احراز کنند یا نه؟ اگر آری، چرا صریحاً گفته نمی‌شود و اگر نه، دلیل آن چیست؟

ما تا هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری چهار سال فرصت داریم تا این موضوع را به بحث بگذاریم و تمامی جوانب آن را بررسی کنیم. نباید بگذاریم که باز چهار سال دیگر بگذرد و چند هفته مانده به انتخابات مسئله‌ای به این اهمیت طرح شود. چه تفاوتی اساسی میان احراز مقام نمایندگی مجلس و ریاست جمهوری از سوی زنان وجود دارد که احراز آن یکی بدون کمترین شک و تردیدی پذیرفته شد اما این دیگری بنا به گفته کسی که حداقل برای شهادت در ابراز عقیده‌اش باید از او تشکر کرد، ممنوع است: «وزیر کشور در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاسخ به سوال یکی از

انقلاب اسلامی. حتی اگر مبنای همکاری این گروه‌ها هیچوقت دقیقاً در طول مبارزه انتخاباتی روشن نشد، اما به دلیل آشنایی با پیشینه فعالیت هر یک و نیز امکانات مطبوعاتی‌ای که هر کدام در اختیار دارند، می‌توان تا حدودی به دلایل پشتیبانی هر کدامشان از آقای خاتمی پی‌برد. بحث بر سر آن میلیون‌هایی است که لزوماً خود را با هیچ‌یک از این جریان‌های شناسایی نمی‌کنند و دیدیم که با چه شور و شعفی و چگونه به صورت خودجوش به این انتخابات جلب شدند. روشن است که مفسران سیاسی و اجتماعی هر یک بنا به تمایل خویش بر جنبه‌ای از موضوع تأکید خواهند کرد و نتایجی را خواهند گرفت. عملی که لاجرم است و می‌تواند بسیار نیز آموزنده باشد. این تفسیر و تأویل‌ها همه در جای خود محترم است و امیدواریم که دولت جدید از طریق برگزاری نظرسنجی‌های عمومی در تهران و شهرستان‌ها به طریقی علمی پاسخ دقیقی برای این مشارکت وسیع بیابد و صحت و سقم آن تفسیرها را نیز روشن سازد. یک چنین نظرسنجی می‌تواند برای دولت آینده نیز از نظر اتخاذ تصمیم و انتخاب جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی‌اش مفید باشد.

تا آن روز و عجلتاً مهم‌ترین امر آن است که این بیست میلیون رأی را نتیجه اتحاد و اتفاق ناگفته دیدگاه‌های متفاوتی بدانیم که از جمله با توجه به محدودیت‌های موجود در جامعه برای ابراز و احراز هویت مجزای سیاسی، خود را در یک چنین پوشش همگانی نشان داده‌است. به عبارت دیگر، مهم آن است که این بیست میلیون

صحبت و یا دفاع کردند نیز نباید از طرح موضوع بازمانند.

ز.ج.ن

نیازهای مالی صنعت نفت ایران

ایران دارای ۵٪ کل منابع نفت جهان و ۱۴٪ منابع شناخته شده گاز طبیعی دنیا است. توسعه منابع نفتی موجب این شده است که صنعت نفت مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران به شمار آید. در عین حال بر کسی پنهان نیست که درآمد نفتی عمده‌ترین درآمد صادراتی ایران است و پشتوانه اصلی توسعه اقتصادی ایران محسوب می‌شود. بدین ترتیب توجه به صنعت نفت و صنایع نوپای گاز و پتروشیمی در ایران باید از اولویت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی باشد. تحولات دو دهه گذشته در ساختار اقتصادی و صنعتی ایران موجب بروز رشته پدیده‌هایی در اقتصاد ایران شده که مهم‌ترین آنها کاهش چشمگیر درآمد سرانه نفت است. به همین دلیل در چند سال گذشته تلاش محسوسی از سوی دولت برای بهبود وضعیت صنعت نفت و افزایش بهره‌وری این صنعت برای اقتصاد ملی صورت گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

تلاش برای کاهش مصرف داخلی: بالا رفتن مصرف داخلی نفت در ایران باعث کاهش قابلیت صدور آن شده است. لذا در چند سال گذشته توجه ویژه‌ای به معقول کردن مصرف داخلی نفت و فرآورده‌های نفتی شده که دارای

خبرنگاران که شرکت زنان در انتخابات ریاست جمهوری چگونه است؟ و چرا در این مورد در قانون انتخابات ابهام وجود دارد؟ گفت: در قانون انتخابات ابهام وجود ندارد... قانون اساسی صراحت دارد که فعلاً خانم‌ها نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند» (خبر، شماره ۵۸، ۹ اردیبهشت ۱۳۷۶). البته وزیر کشور در ادامه صحبت تفسیر این قانون را در زمره وظایف شورای نگهبان دانسته است.

به عبارت دیگر، در شرایط فعلی زنان نمی‌توانند رئیس‌جمهور شوند، مگر شورای نگهبان تفسیر دیگری از قانون اساسی ارائه دهد. با توجه به رد شدن صلاحیت هر ۹ نفر زنی که کاندید ریاست جمهوری بودند، موضوع از دو حال خارج نیست: یا شورای نگهبان تفسیری حاکی از محرومیت زنان در احراز مقام ریاست جمهوری داده است و به دلایلی که خود صلاح دانسته آن را منتشر نکرده، یا آنکه ابداً توجهی به این موضوع نکرده است. در هر دو صورت بهترین راه برای آنکه اولاً روشن شود که سخنگویان مردم، یعنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه نظری در این مورد دارند، بهتر آن است که مجلس در صدد روشن کردن قانون انتخابات برآید و با افزودن تبصره‌ای، از زنان - حداقل در قانون انتخابات - محرومیت‌زدایی کند. با اینکار شورای نگهبان نیز فرصت ابراز نظر خواهد یافت. روشن است که وظیفه عنوان کردن این موضوع در مجلس بیش از هر کسی بردوش دولت است. در عین حال، آن دسته از نمایندگان مجلس که در طول مبارزات انتخاباتی خود با جدیت از حقوق زنان